

## مقایسه سینمای ایران قبل و بعد از انقلاب از دیدگاه جامعه‌شناسی

### • گزارش: مهدی کشتکار

پس از سخنان دکتر هودشتیان، شرکت کنندگان در این جلسه به نقد آرا و نظرات ایشان پرداختند. به اعتقاد اکثر شرکت کنندگان، تقسیم بندی سینما به دو دوره زمانی با گذاشتن مرزی به نام انقلاب، تقسیم بندی نامناسب می باشد. همگان معتقد بودند که هیچگاه با مقایسه چند فیلم مختص این دو دوره زمانی، نمی توان تصویری از کل جامعه را در این دو برهه به مخاطب عرضه کرد. متدلوژی برگزیده شده در این بحث، شامل ترسیم فضای جامعه ایران در این دو دوره بوده و سپس آوردن مثال هایی از فیلم های مطرح شده، تاییدی بر آن است، که به نوعی دستمایه قرار دادن هدف بحث برای رسیدن به نقطه آغاز است که از لحاظ متدلوژیک رویکردی مردود است. به اذعان همگان، نگاه دکتر هودشتیان نگاهی قابل توجه و تحسین بر انگیز است ولی احتیاج به بازنگری در طرح سؤال و شیوه پاسخ گویی به این سئوالات را دارد. سئوالاتی از این قبیل که چرا ذایقه تماشاگر ایرانی در دهه ۴۰ و ۵۰ فیلم هایی همچون «گوزن ها» و «قیصر» را می پسندد، اما همین تماشاگر پس از انقلاب در فیلم های همین کارگردان از موضوع قهرمان گرایی، استقبال نمی کند. چه عاملی باعث تغییر طبع سینماگر ایرانی شده است؟ آیا مردم ایران دریافته اند که «بیچاره ملتی که احتیاج به قهرمان داشته باشد» و اکنون از قهرمانان پوشالی گریزانند؟

در پایان از طرف کافه لیت از استاد گرامی دکتر هودشتیان که انتقادات وارده را با حوصله بر تافتند کمال امتنان را داریم.

هفتاد و نهمین جلسه کافه لیت با سخنرانی دکتر عطا هودشتیان در مورد «مقایسه سینمای ایران قبل و بعد از انقلاب از دیدگاه جامعه شناسی» برگزار گردید. دکتر هودشتیان استاد جامعه شناسی و علوم سیاسی در این سخنرانی به آنالیز محورهای داستان پردازی در سینما، در دو دوره قبل و بعد از انقلاب و ارتباط آن با روحیات جامعه ایران در این دو دوره زمانی پرداخت. ایشان با بازگویی داستان فیلم هایی چون «تنگسیر» ساخته «نادری» و «گوزن ها» به کارگردانی «کیمیایی» از غیرت، شرف و آرمان گرایی و قهرمان پروری به عنوان محورهای اصلی فیلم های دهه ۴۰ و ۵۰ یاد کرد. وی با در نظر گرفتن این مشخصات برای سینمای پیش از انقلاب، با تکیه به فیلم هایی همچون «شمعی در باد» ساخته «پوران درخشنده» و «علی سنتوری» به کارگردانی «داریوش مهرجویی» سینمای ایران پس از انقلاب را سینمایی بدون قهرمان دانست که در آن خمودی شخصیت ها بیداد می کند و آن را نابودی و افول قهرمان گرایی دانست. ایشان فضای آرمان گرایانه سینمای دهه ۴۰ و ۵۰ ایران را همگام با خواست عمومی برای جنبش دانست. حال آن که فضای حاکم بر سینمای کنونی ایران، از نگاه دکتر هودشتیان، عاری از شور لازم برای جنبش است. در این سینما قهرمان مرده است، روحیه ای برای جنبش ندارد، ایده آل گرایی رنگ می بازد و فرد تسلیم است. نقش پلیس و خانواده در این سینما بسیار پر رنگ است و پلیس نقش تصحیح کننده دارد. نهایتاً ایشان ۱۲ وجه تمایز بین سینمای این دو دوره زمانی بر شمردند.

CaféLitt®  
Rencontre culturelle persano-montréalaise



ها و خصوصاً امروز، همچون او حس کرده و می کنند. امروز علی رغم تلاش های ارزنده جوانان، زنان، کارگران و روشنفکران، فضای عمومی اجتماعی در ایران از یک فرسودگی تاریخی خبر می دهد. دینامیسم اجتماعی در ایران دو گانه است و گرایش اصلی آن در جهت در هم شکستگی شخصیت، سرگشتگی فلسفی انسان، تکروی، خودگرایی، بی آرمانی، اقتصاد گرایی و پول پرستی گام میزند. لیکن اینهمه به آن معنا نیست که این افول «اراده قدرت» واقعیتی محتوم در ایران است و هیچ تحول جدیدی در فرادای این جامعه صورت نخواهد گرفت.

ما نیاموختیم که به جای قهرمانگرایی و مطلق گرایی قیصری، به جای آرمانگرایی ایده آلیستی گوزن‌ها، یک آرمانگرایی زمینی، واقعی و عملی جایگزین کنیم. یک بار که از آرمانگرایی قیصری خسته شدیم و مضرات آن را چشیدیم، به ناگاه از هر گونه آرمان دل زده شدیم. غافل از آنکه هر اقدامی برای عدالت اجتماعی، هر گامی برای رعایت حقوق انسانی، هر دریچه ای بسوی دموکراسی، مستلزم ستیز و مبارزه و اعتماد به اراده است. هیچ دموکراسی بدون مبارزه و هیچ مبارزه دمکراتیکی بدون ابراز شجاعت و قدرت محقق نمی شود.

[www.hoodashtian.com](http://www.hoodashtian.com)